

صبح داروساز، عصر نویسنده، شب طیب. هانری ماهه نقاش در کتاب خاطراتش «گژومز شدن با سلین» La Briuquebalavec avec Celine سلین را اینگونه معرفی می‌کند، که وی سال ۱۹۲۹ چگونه می‌گذرانده، بعد از هر ملاقات موقع ترک می‌گفته «می‌روم که بنویسم» که در تمام این مدت فقط از ادبیات داروسازی صحبت به میان آمده بود. ماهه مطلع بود که دکتر دتوش از ۱۹۲۸ برای آزمایشگاه کالیر "Gallier" ۳۸ بلوار مونپارناس کار می‌کرد و سازنده چند دارو منجمله Basedowine برای کم کاری تیروئید و عادات ماهیانه دردناک، همچنین Kidoline روغن محتوی آدرنالین برای ریزش و گرفتگی بینی نوزادان بوده است. برای تبلیغ و عرضه داروی Basedowine ماهه برچسب آنرا نقاشی کرده بود. در آگهی تبلیغی دیگر آن زمان موسسه Gallier، داروی ضد خون‌ریزی Arhémapectine را هم به آن دو داروی دیگر اضافه کرده است. تاکنون شش آگهی دیگر برای Arhémapectine که از طرف دکتر کالیر وارد بازار شده بود بدست آمده. این دارو امروز بنام آزمایشگاه داروسازی دیگری به فروش می‌رسد. دکتر دتوش فقط به ساخت دارو اکتفا نمی‌کرد. بلکه در معرفی و بازاریابی آنهم نقش مؤثری داشت. ملاقات با اطباء مختلف، از شهری به شهری رفتن، بالا رفتن از پله‌ها، خود وی معرفی آنرا بعهده می‌گرفت. کسی که از سال ۱۹۲۴ تا سال ۱۹۲۷ با مدیریت لودویک

راشمان Ludwig Rajchman به استخدام جامعه ملل برای بنیاد ردکفلر Rockefeller درآمده بود، در ایالات متحده و آفریقا هواپیمای گروه اطبا برای بنای مراکز پیش‌گیری را خود هدایت کرده بود و آنچنان از تفکر جهان‌وطنی که ژنو سخنگویی آن شده بود به هیجان آمده که متوجه نبود که در کوبا پا روی پای ایالات متحده و در نیجر پا روی پای انگلیس گذاشته است و این دو بودند که کارش را سد کردند و لودویک راشمان از ترس فشار اقتصادی مجبور به تسلیم شد. سلین در ۱۹۲۷ در نمایشنامه‌ای به نام کلیسا l'Eglise از این واقعه یاد می‌کند. شرح مفصل این دوران در سفری به انتهای شب Voyage au bout de la nuit آغاز و در هیچ و پوچ برای یک کشتار Bagatelles pour une massacre پایان می‌یابد.

چندی پیش در یک حراج نامه‌های چاپ نشده دکتر دتوش با صاحب آزمایشگاه کانتن Cantin در شهر پالیسو Palaiseau بدست آمد. روبرت کالیر به همکاری دکتر رنه آرنولد René Arnold دکتر دتوش را معرفی دارو (ویزیتور) درمانگاه کلیسی Clichy معرفی می‌کند. در ۱۲ ژوئن ۱۹۳۰ قراردادی بین دتوش و آرنولد به امضاء می‌رسد که به آن طیب در ازای کارش ۵۰۰ فرانک در ماه پرداخت شود. برای آزمایشگاه کانتن دکتر دتوش قرص Nican ضد صرغه را که از عصاره آویشن و شقایق گرفته شده بود درست کرد. به سبب بی‌خوابی مفرط از زمان جنگ، دکتر دتوش داروی ضد بی‌خوابی به نام Somnothyryl که از داروئی به نام Vétonal و esérine (سم باقلا) ترکیب یافته بود بوجود آورد که در مقاله فوق به طنز از فوائد آن سخن می‌راند. هیچ دلیل علمی برای آنچه در مقاله بنام بی‌خوابی روشنفکران نوشته شده و در مجله La Revue Medical d'Est به چاپ رسیده وجود ندارد.

از شروع بی‌ادعای اولیه‌اش به عنوان فروشنده جواهرات یا پارچه‌های ابریشمی دکتر دتوش از تعطیلاتش در بروتاین Bretayn و در جنوب و دیگر مناطق فرانسه استفاده می‌کرد که داروی Somnothyryl و قطره Nican را معرفی کند. در بیاریتس Biaritz روز را با تبلیغ دارو و شب را در رویای پری‌های دریائی می‌گذرانند. در ۱۴ آوریل ۱۹۳۲ لوئی سلین که اکنون به این نام خود را معرفی می‌کند دست‌نوشته قطور سفر به انتهای شب را برای چاپ به موسسه انتشاراتی گالیمار Gallimard و مؤسسه دنوئل Denoel می‌سپارد و به آنها عنوان می‌کند «نان ادبی برای یک قرن تمام». در ماه مه همان سال دکتر دتوش تمام بروتائی را کم پیر Quimper، سن مالد Saint-Malo و سن نزار Saint Nazare را طی می‌کند تا قراردادهای دارویی را انجام دهد، فقط در شهر برست Brest

به مطب ۸۰ پزشک سر می‌زند. در ماه ژوئن سلین قرارداد سفر به انتهای شب را با ناشر دنوئل Denoel امضا می‌کند. در ماه ژوئیه در شهر مارسی دکتر دتوش با ۵۰ همکار ملاقات می‌کند. در اواخر ماه اوت بواسطه ناراحتی گوارشی که از خوردن خرچنگ برایش بوجود آمده بود به پاریس باز می‌گردد و اظهار تاسف می‌کند که از دیدن ۳۰ همکار محروم شده و به مدیران درمانگاه قول می‌دهد که کمبود کار خود را یا در حومه یا در خود پاریس جبران کند. ۱۵ اکتبر کتاب سفر به انتهای شب به دکه‌های کتابفروشان می‌رسد. نتیجه معلوم است. تا اواخر استقرار آلمانها در فرانسه سلین از فروش داروهایش یوسیله مؤسسه ارنولد ۸۰۰۰ فرانک و در ۱۹۴۲، ۴۰۰۰ فرانک بدست می‌آورد. در ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۵ از کپنهاگ، از خانم ارنولد که اکنون بیوه و فوق‌العاده متدین شده بود پول برای خرید شلوار تقاضا می‌کند چون فقط یک شلوار دارد: آن خانم هم هیچ وقت جواب تقاضای وی را نمی‌دهد. در رمان افسانه‌ای برای وقتی دیگر Feerie pour un outhor fois چنین یاد می‌کند «خانم ایچی Ouche که به من میلیونها بدهکار است. اگر خانم ارنولد به بهشتی که سلین به او وعده ملاقات داد وارد نشد بدین سان به آینده پیوست.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

منتشر شد:

**ویرجینیا وولف**

(زندگینامه)

**کوئینتین بل**

**ترجمه سهیلا بسکی**

انتشارات نیلوفر — خیابان انقلاب — خیابان دانشگاه تلفن ۶۶۴۶۱۱۱۷